

بررسی ضوابط و محدودیت‌های حقوقی ناظر بر آزادی دریافت و انتشار اطلاعات در اسناد تبیین‌گر حقوق بشری

مرضیه جعفرزاده: دانشجوی دکتری گروه آموزشی علوم ارتباطات، واحد

اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

علی جعفری: استاد راهنما، نویسنده مسئول و دانشیار گروه علوم ارتباطات،

واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

جعفر سلمان زاده: استاد مشاور و دانشیار گروه آموزشی حقوق دانشگاه محقق

اردبیلی، اردبیل

چکیده

مطابق قوانین و مقررات نظام بین‌الملل حقوق بشر، آزادی دریافت و نشر اطلاعات از حقوق بنیادین بشر قلمداد شده است. دریافت اطلاق از این حق، امکان سوء استفاده از آن را فراهم نموده و نگرانی‌هایی را در پی داشته است. این نگرانی‌ها باعث شده است که جریان آزاد اطلاعات با ضوابط و اصولی همراه و در برخی موارد محدودیت‌هایی بر آن اعمال شود. پژوهش فرارو، متکی بر روش تحلیلی-توصیفی، با هدف تبیین ضوابط و محدودیت‌های حاکم بر آزادی دریافت و نشر اطلاعات نگاشته و به این نتیجه رسیده است که مطابق اسناد تبیین‌گر حقوق بشر، حق مزبور، مطلق نبوده و بر جریان آزاد اطلاعات ضوابط و محدودیت‌هایی حاکم است. اصل برابری حاکمیت‌ها در دسترسی و استفاده از منابع اطلاعاتی، اصل عدم مداخله در امور دیگران در فرایند دریافت و انتشار اطلاعات، اصل استفاده مسالمت آمیز از جریان آزاد اطلاعات و اصل منع سوء استفاده از حق دریافت و نشر اطلاعات از مهم‌ترین اصول و ضوابط حاکم بر جریان آزاد اطلاعات بوده و برای حفظ و تأمین حقوق و آزادی-های فردی و اجتماعی، محدودیت‌هایی بر حق مزبور اعمال شده است. امنیت ملی، رفاه اجتماعی، نظم عمومی، رعایت مقتضیات عادلانه اخلاقی و مانند آن از جمله محدودیت‌هایی است که برای حفظ حقوق اجتماعی وضع شده و رعایت آزادی‌های اساسی افراد، حفظ حریم خصوصی، مالکیت و مانند آن است از جمله محدودیت‌هایی است که برای حفظ حقوق فردی آحاد جامعه مقرر شده است. البته محدودیت‌های مزبور وقتی قابلیت استناد را دارا هستند که مطابق استانداردهای جوامع مردم‌سالار و در قوانین موضوعه آورده شده باشند.

کلمات کلیدی: جریان آزاد اطلاعات، نظم عمومی، رفاه همگانی، اخلاق، حریم خصوصی، امنیت.

UNCORRECTED PROOF

مقدمه

جریان آزاد اطلاعات، که شامل حق دسترسی به اطلاعات و حق انتشار آن است، از جمله حقوق بنیادین بشر به شمار می‌آید. اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر^۱، بر این حق بنیادین تأکید کرده‌اند. با این حال، این اسناد حق مزبور را مطلق ندانسته و برای اعمال آن شرایط و محدودیت‌هایی در نظر گرفته‌اند. برخی از این ضوابط و شرایط که در این نوشتار ذیل اصول حاکم بر جریان آزاد اطلاعات بررسی می‌شوند، شامل اصل برابری، اصل استفاده مسالمت‌آمیز از جریان آزاد اطلاعات، اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران و اصل ممنوعیت سوءاستفاده از حق است. علاوه بر این شرایط و ضوابط، بر اساس همین اسناد، برخی موارد از شمول حق دریافت و انتقال اطلاعات خارج شده‌اند که در این نوشتار تحت عنوان محدودیت‌های حاکم بر جریان آزاد اطلاعات به آن‌ها پرداخته می‌شود. این محدودیت‌ها در دو دسته کلی قابل بررسی هستند: دسته نخست، محدودیت‌هایی است که به منظور حمایت از حقوق عمومی اعمال می‌شوند؛ از جمله مقتضیات اخلاقی، امنیت ملی، نظم عمومی و رفاه همگانی. دسته دوم، محدودیت‌هایی است که در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد، از جمله حق مالکیت و حریم خصوصی، اعمال می‌شوند. بسیاری از عناوین یادشده، به‌ویژه محدودیت‌های مرتبط با اخلاق، امنیت ملی، نظم عمومی و رفاه همگانی، دارای مفاهیمی مبهم، سیال و انعطاف‌پذیر هستند و همین امر می‌تواند زمینه سوءاستفاده دولت‌ها و حاکمان را فراهم سازد. برای جلوگیری از چنین وضعیتی، اسناد مذکور اعمال این محدودیت‌ها را به دو شرط منوط کرده‌اند: نخست آنکه این محدودیت‌ها باید در چارچوب قوانین موضوعه تعریف و اعمال شوند، و دوم آنکه این قوانین با استانداردهای جوامع مردم‌سالار همخوانی داشته باشند. با وجود این، این قیود نیز نتوانسته‌اند محدودیت‌های مزبور را از

^۱ . از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مانند آن.

حالت انتزاعی خارج کرده و صورتی عینی به آن ببخشند؛ زیرا مفهوم «جوامع مردم سالار» نه تنها از ابهام موجود نکاسته، بلکه بر آن افزوده است. چراکه هم معیار تشخیص مردم سالار بودن یا نبودن یک جامعه مبهم است و هم مرجع تشخیص این وصف به طور روشن مشخص نشده است.

۱- اصول حاکم بر جریان آزاد اطلاعات

اصول حاکم بر جریان آزاد اطلاعات به مجموعه قواعد و موازینی اطلاق می شود که دولت ها و اشخاص، بر اساس حقوق بین الملل و نظام بین المللی حقوق بشر، ملزم به رعایت آن هستند. این اصول چارچوب حقوقی بهره مندی از حق دریافت، انتقال و انتشار اطلاعات را تعیین می کنند و از جمله مهم ترین آنها می توان به اصل برابری کشورها در استفاده از منابع اطلاعاتی، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت ها در فرآیند انتقال و دریافت اطلاعات، اصل استفاده صلح آمیز از جریان اطلاعات، اصل حسن نیت و اصل منع سوءاستفاده از حق دسترسی و انتشار اطلاعات اشاره کرد. در این بخش، این اصول و ابعاد حقوقی آنها مورد تحلیل قرار می گیرند.

۱-۱ اصل برابری کشورها در حق دریافت و انتشار اطلاعات

در ادبیات حقوق بین الملل و حقوق بشر، مفاهیم «برابری»^۱ و «عدم تبعیض»^۲ همواره در کنار یکدیگر برای تضمین بهره مندی منصفانه از حقوق و آزادی ها مطرح شده اند. هر چند در نگاه نخست ممکن است این دو مفهوم مترادف با عدالت^۳ تلقی شوند، اما از منظر حقوقی تفاوت هایی میان آنها وجود دارد. برخی صاحب نظران بر این باورند که برابری مفهومی مستقل از عدم تبعیض است؛ زیرا برابری، مفهومی کلی و مطلق محسوب می شود که بدون تفسیر و تحدید، ظرفیت اجرایی محدودی دارد، در حالی که اصل عدم تبعیض، مصداقی تر و عملی تر بوده و بهتر می تواند در مسیر تحقق عدالت ایفای نقش کند. (ویژه،

^۱ Equality.

^۲ Nondiscrimination.

^۳ Justice.

۱۳۸۳: ۲۲۶). با وجود این تمایز، نه برابری و نه عدم تبعیض را نمی‌توان عین عدالت دانست؛ بلکه این دو اصل، ابزارهایی برای تحقق عدالت به شمار می‌روند. در واقع، عدالت غایت نهایی است و برابری و عدم تبعیض، سازوکارهای رسیدن به آن محسوب می‌شوند. از همین رو برخی حقوقدانان، ارزش‌های بنیادین حقوق بشر را در سه محور آزادی، برابری و عدالت خلاصه کرده‌اند و معتقدند عدالت، عامل تنظیم‌کننده میان آزادی و برابری است؛ زیرا برابری مطلق می‌تواند به نتایجی غیرمنصفانه بینجامد و آزادی نیز بدون جهت‌گیری عادلانه، از ماهیت واقعی خود فاصله می‌گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

در حوزه جریان آزاد اطلاعات نیز، هدف حقوق بین‌الملل و نظام حقوق بشر آن است که دولت‌ها و افراد، به‌طور برابر و بدون تبعیض از حق دریافت و انتشار اطلاعات بهره‌مند شوند. با این حال، این اصل به معنای برابری مطلق در دسترسی به امکانات و فناوری‌های اطلاعاتی نیست. به بیان دیگر، برابری مورد نظر، ناظر بر «حق بهره‌مندی» است نه «میزان برخورداری». بنابراین، کشوری که با سرمایه‌گذاری و توسعه علمی به فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی دست یافته، الزام ندارد به استناد اصل برابری، این امکانات را بدون قید و شرط در اختیار سایر دولت‌ها قرار دهد. آنچه اهمیت دارد، برخورداری یکسان از حق دسترسی و انتقال اطلاعات و پرهیز از اعمال تبعیض ناروا در این زمینه است.

اصل برابری، در هر دو شکل خود، یکی از مبانی اساسی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و در بند ۲ ماده ۱ و همچنین بندهای ۱ تا ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است. افزون بر این، برخی اسناد بین‌المللی به‌طور خاص، این اصل را در زمینه جریان آزاد اطلاعات مورد توجه قرار داده‌اند. در همین راستا، قطعنامه ۱۷۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۶۱ تصریح می‌کند که ارتباطات ماهواره‌ای باید به‌صورت برابر و تا حد امکان در سطح جهانی در دسترس تمامی مردم قرار گیرد. مفاد این قطعنامه نشان می‌دهد که بهره‌برداری از فضای ماورای جو برای استقرار سامانه‌های مخابراتی و انتقال اطلاعات، حقی عمومی و برابر است و هیچ کشوری نمی‌تواند آن را در انحصار خود قرار دهد.

همچنین، قطعنامه ۱۹۶۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اصول حقوقی حاکم بر فعالیت دولت‌ها در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، بر اصولی همچون بهره‌مندی همه بشریت از منافع فضا، آزادی استفاده کشورها بر مبنای عدالت و حقوق بین‌الملل، و ممنوعیت تصاحب ملی فضای ماورای جو تأکید کرده است. این رویکرد در کنوانسیون ۱۹۶۶ مربوط به اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله کره ماه و سایر اجرام سماوی، نیز استمرار یافته است. بر اساس این کنوانسیون، فعالیت‌های فضایی باید بدون توجه به سطح توسعه اقتصادی یا علمی کشورها، در راستای منافع تمامی دولت‌ها انجام شود. افزون بر این، فضای ماورای جو قابل تملک یا حاکمیت ملی نیست. (Lachs, 1997:959) و هرگونه بهره‌برداری انحصاری از آن مغایر اصول حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. از سوی دیگر، قطعنامه ۱۹۸۶ درباره اصول سنجش از راه دور زمین از فضانیز تأکید دارد که چنین فعالیت‌هایی باید مطابق با حقوق بین‌الملل، در جهت منافع همه کشورها و همراه با احترام به حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و حقوق مشروع سایر کشورها صورت گیرد.

برآیند این اسناد حقوقی آن است که دسترسی به اطلاعات و انتشار آن، به‌ویژه از طریق فضای ماورای جو، حقی برابر و غیرتبعیض‌آمیز برای تمامی کشورها تلقی می‌شود. این دیدگاه ریشه در اصل «میراث مشترک بشریت»^۱ دارد؛ اصلی که فضای ماورای جو را متعلق به همه انسان‌ها دانسته و آن را از هرگونه ادعای مالکیت انحصاری ملی مصون می‌داند. (Billings, L. 2006:430) اگرچه این مفهوم در بستر حقوق بین‌الملل عمومی شکل گرفته، اما در نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز جایگاه مهمی یافته است؛ زیرا در زمره حقوق نسل سوم بشر یا حقوق همبستگی قرار می‌گیرد. (عباسی و رستمی، ۱۳۹۴: ۲۸).

^۱ Outer Space.

^۲Common heritage of man.

اصل برابری در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز انعکاس گسترده‌ای یافته است. ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر برابری ذاتی انسان‌ها در حیثیت و حقوق تأکید دارد و ماده ۲ همان اعلامیه، بهره‌مندی افراد از حقوق و آزادی‌ها را بدون هرگونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، ملیت، وضعیت اجتماعی، ثروت یا سایر وضعیت‌ها تضمین می‌کند. همچنین، بند نخست ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها را مکلف می‌کند که حقوق مقرر در این سند را برای همه افراد تحت صلاحیت خود، بدون تبعیض تضمین کنند. از آنجا که ماده ۱۹ این اسناد، حق آزادی بیان را مشتمل بر حق دریافت و انتقال اطلاعات می‌داند، می‌توان نتیجه گرفت که تبعیض در بهره‌مندی از حق دسترسی و انتشار اطلاعات مورد پذیرش نظام حقوق بشر نیست و اصل برابری در جریان آزاد اطلاعات به رسمیت شناخته شده است. علاوه بر این، سند نهایی هلسینکی^۱ نیز بر احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، از جمله آزادی اندیشه، وجدان، مذهب و باور تأکید دارد.

همچنین، ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اصل عدم تبعیض در بهره‌مندی از حقوق مقرر در کنوانسیون را تضمین کرده و ماده ۱۰ همان کنوانسیون، حق دریافت و انتشار اطلاعات را از جمله حقوق بنیادین انسان می‌شمارد. از جمع این دو ماده می‌توان چنین استنباط کرد که جریان آزاد اطلاعات باید بدون هرگونه تبعیض در اختیار تمامی افراد قرار گیرد. همین برداشت از تلفیق ماده ۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، که بر اصل برابری در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها تأکید دارد، با ماده ۱۳ این کنوانسیون، که حق دریافت و انتقال اطلاعات را به رسمیت شناخته است، نیز قابل استنتاج است.

۲-۱) اصل استفاده مسالمت آمیز از جریان آزادی اطلاعات

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اهداف ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است (بند ۱ ماده ۱ منشور ملل متحد). از سوی دیگر، حقوق و آزادی‌های

^۱ Helsinki Final Act.

بنیادین بشر، از جمله حق دریافت و انتقال اطلاعات، مطابق بند ۳ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، در هیچ شرایطی نباید به گونه‌ای اعمال شوند که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد باشند. بر این اساس، جریان آزاد اطلاعات باید در چارچوب تقویت و صیانت از صلح و امنیت بین‌المللی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

علاوه بر این، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن تأکید بر حق دریافت و انتشار اطلاعات، تصریح می‌کند که اعمال این حق نباید با الزامات امنیت ملی در تعارض قرار گیرد. همچنین، ماده ۲۰ این میثاق مقرر می‌دارد: «۱. هر گونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است؛ ۲. هر گونه ترغیب به نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.» در همین راستا، بند ۱ ماده ۲۲ اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام بیان می‌دارد: «تبلیغات، یک ضرورت حیاتی برای جامعه محسوب می‌شود، لیکن سوءاستفاده از آن، تعرض به مقدسات و کرامت انبیا، یا به کارگیری هر امری که منجر به اختلال در ارزش‌ها، تفرقه اجتماعی، ورود زیان یا تضعیف و فروپاشی اعتقادات گردد، ممنوع است.» همچنین، این اعلامیه تصریح می‌کند که «برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی یا هر اقدامی که منجر به تحریک هر گونه تبعیض نژادی شود، مجاز نیست.» بر این مبنا، اقداماتی نظیر اهانت به مقدسات، اختلال در ارزش‌های بنیادین، ایجاد اختلال در نظم اجتماعی، آسیب‌رسانی به باورهای اعتقادی، تحریک احساسات قومی یا مذهبی و دامن‌زدن به تبعیض نژادی، از جمله مصادیق رفتارهای غیرمسالمت‌آمیزی محسوب می‌شوند که در فرآیند اعمال آزادی بیان - به‌عنوان یکی از مبانی اساسی جریان آزاد اطلاعات - شناسایی شده‌اند؛ از این رو، در چنین مواردی، مطابق مفاد اعلامیه مذکور، بهره‌مندی از آزادی بیان با محدودیت مواجه خواهد بود. همچنین، بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بر حق هر فرد نسبت به آزادی عقیده و بیان - که شامل حق دریافت و انتشار اطلاعات نیز می‌شود - تأکید دارد؛ با این حال، بند ۵ همان ماده مقرر می‌دارد: «هر گونه تبلیغ برای جنگ و نیز هر گونه حمایت از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که موجب تحریک به

خشونت غیرقانونی یا هر اقدام مشابه علیه اشخاص یا گروه‌هایی از افراد بر مبنای نژاد، رنگ، مذهب، زبان یا ملیت گردد، جرم تلقی شده و قابل مجازات است.»

مسئله سلامت‌آمیز بودن جریان آزاد اطلاعات، همواره مورد توجه و تأکید نهادهای بین‌المللی قرار داشته است. در همین راستا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ «کمیته استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو» (کوپسوس) را تأسیس کرد. این کمیته دارای دو کمیته فرعی حقوقی و علمی - فنی است که به‌ویژه کمیته فرعی حقوقی، به‌صورت جدی موضوعات حقوقی مرتبط با بهره‌برداری از فضای ماورای جو برای دریافت و انتشار اطلاعات را پیگیری می‌کند (Department of Public Information, (2004:133-137). تاکنون نشست‌های ۶۲ نشست در باره مسایل حقوقی و فنی استفاده سلامت‌آمیز از فضا برگزار نموده است. در نشست ۶۱ این کمیته در سال ۲۰۱۸، «برنامه کاری ۲۰۳۰» با برنامه چندساله هدف سلامت‌آمیز بودن استفاده از فضا از جمله دریافت اطلاعات و انتشار آن از طریق فضا را به صورت جدی دنبال می‌کند. نشست شصت و دوم این کمیته در ۱۲ تا ۲۱ ژانویه ۲۰۱۹ بود که ضمن طرح مباحث گوناگون در زمینه استفاده سلامت‌آمیز از فضا توصیه شد که در نشست شصت و سوم کمیته در سال ۲۰۲۰ ابزار و راه کارهای تداوم استفاده سلامت‌آمیز از فضا بر پایه اولویت‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. (Report of the Committee on the Peaceful Uses of Outer Space Sixty-second session, 2019: 12) و توصیه کمیته فرعی حقوقی و کارگروهش را در باره تعریف و تعیین محدوده فضای ماورای جو مورد تأیید قرار داد (Ibide, 27) همچنین، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۳۷/۹۲ خود با موضوع «اصول حاکم بر استفاده کشورها از ماهواره برای پخش مستقیم بین‌المللی تلویزیونی» مصوب ۱۹۸۲، تصریح کرده است که دولت‌ها هنگام بهره‌گیری از ماهواره‌ها برای پخش مستقیم تلویزیونی، باید پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین‌المللی آن را مدنظر قرار دهند. در این قطعنامه، اخذ رضایت قبلی دولت‌های

^۱ Space2030' agenda.

دریافت‌کننده برنامه‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای نیز ضروری دانسته شده است. چنین رویکردی بیانگر آن است که جریان آزاد اطلاعات نباید به گونه‌ای اعمال شود که ماهیت صلح‌آمیز آن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مخدوش گردد. در سال ۱۹۸۲، کنفرانس دوم ملل متحد با عنوان UNISPACE 2 در زمینه اکتشافات و استفاده مسالمت‌آمیز از فضای ماورای جو در وین تشکیل شد. این کنفرانس در خصوص موضوعاتی نظیر بهره‌گیری از فناوری‌های فضایی، سنجش از دور زمین توسط ماهواره‌ها، استفاده از مدار ثابت زمین و پخش مستقیم تلویزیونی از طریق ماهواره، توصیه‌هایی ارائه کرد که در رأس آن‌ها اصل استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو - از جمله استقرار و بهره‌برداری از ماهواره‌های انتقال اطلاعات - قرار داشت و متعاقباً مورد تأیید مجمع عمومی سازمان ملل متحد واقع شد. این کنفرانس‌ها همچنان ادامه دارد و در سال ۲۰۱۸ پنجاهمین نشست آن با عنوان UNISPACE+50 با هدف تأمین مسالمت‌آمیز بودن استفاده از فضا به طور طبیعی انتقال اطلاعات از طریق آن توصیه‌هایی نموده است.^۲

۳-۱) اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران

مداخله در حقوق بین‌الملل به معنای نفوذ توأم با اعمال فشار یک دولت در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر، به گونه‌ای است که اراده دولت مورد مداخله نقض شده و آن دولت به اتخاذ رفتار یا رویه‌ای خاص وادار شود (Encyclopedia of public International Law, 1981:3/233) بر این اساس، عنصر «اجبار» یا «زور» در تحقق مفهوم مداخله از جایگاه بنیادین برخوردار است و مداخله زمانی محقق می‌شود که دولتی از طریق ابزارهای نظامی، سیاسی یا اقتصادی، دولت دیگر را به اتخاذ رفتاری مشخص وادار سازد. ضرورت وجود عنصر زور در تحقق مداخله، مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری نیز قرار گرفته است (صفایی، ۱۳۶۷: ۱۱). اگر دریافت و انتقال اطلاعات، منجر به دخالت در امور کشورهای دیگر شود، جریان آزاد اطلاعات قابل دفاع نخواهد

^۱<https://www.unoosa.org/oosa/en/aboutus/history/unispace.html>, retrieved on: 30/12/2019.

^۲<https://www.unoosa.org/oosa/en/ourwork/unispaceplus50/index.html>, retrieved on: 30/12/2019.

بود. این امر نتیجه منطقی دو اصل پیشین؛ یعنی برابری حاکمیت‌ها و رفتار مسالمت آمیز در روابط بین‌الملل است و نیازی به تصریح جداگانه نسبت به عدم مداخله در امور دیگران نیست؛ زیرا اگر جریان آزاد اطلاعات به گونه‌ای صورت گیرد که منجر به دخالت در امور دیگران تلقی شود، اصل برابر حاکمیت مخدوش شده و نیز رفتاری غیر مسالمت آمیز در روابط بین‌الملل تلقی خواهد شد. با وجود این، در برخی اسناد حقوق بین‌الملل و نیز اسناد حقوق بشری، به‌طور صریح بر اصل عدم مداخله در فرآیند اعمال حقوق بنیادین بشر، از جمله حق دسترسی به اطلاعات و انتشار آن، تأکید شده است. از جمله، قطعنامه ۲۹۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با موضوع «تهیه و تدوین یک عهدنامه بین‌المللی درباره اصول مربوط به استفاده دولت‌ها از ماهواره‌ها به‌منظور پخش مستقیم تلویزیونی» که در ۹ نوامبر ۱۹۷۲ به تصویب رسید، ضمن حمایت از اصل حاکمیت ملی دولت‌ها، بر اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها نیز تصریح کرده است. آنچه مسلم است این است که اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگران، اصل برابری و اصل منع استفاده از زور که در بالا به‌عنوان اصول حاکم بر جریان آزاد اطلاعات یاد شده اصولی مطلق نبوده و استثنائاتی بر آن وارد است. حق دفاع مشروع و نیز مواردی که مطابق آن شورای امنیت می‌تواند ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد اقدام به مداخله در امور داخلی دیگران نماید، و همچنین در موارد نقض حقوق بشر و نقض حقوق بشر دوستانه اصول مزبور کنار نهاده می‌شوند. نتیجه سخنان فوق این است که جریان آزاد اطلاعات در موارد مداخلات بشردوستانه، نقض حقوق بشر، دفاع مشروع و نیز مجوزات ذیل فصل ۷ منشور حق دریافت و انتقال اطلاعات؛ حتی اگر این امر دخالت در امور دیگران تلقی شود، به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین، انتشار اخبار مربوط به قتل، شکنجه و یا حبس غیر قانونی مخالفان حکومت و نیز نسل‌کشی و مانند آن تحت هیچ شرایطی دخالت در امور دیگران تلقی نشده و هر کشوری یا سازمانی در صورت دسترسی به این اطلاعات لازم است آن را در اختیار نهادهای مسئول قرار دهد و هیچ

^۱ <http://www.worldlii.org/int/other/UNGA/1972/11.pdf>, retrieved on: 03/01/2020.

کشوری حق ندارد دریافت و انتقال این قبیل اطلاعات را دخالت در امور خود تلقی نماید. به عنوان یک نمونه که در سال‌های اخیر رخ داد، می‌توان به نقش جریان آزاد اطلاعات در کنترل جنایت علیه بشریت در کشور میانمار اشاره نمود بدون آنکه این رفتار دخالت در امور داخلی کشور مزبور و نقض حاکمیت آن تلقی شود با اینکه دولت این کشور چنین ادعایی را داشت. دولت میانمار که در سپتامبر ۲۰۱۷ مرتکب نقض شدید حقوق بشر و حقوق دوستانه نسبت به مسلمان ساکن در روهینگیا شد.^۱

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که تعهد دولت‌ها به رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه - اعم از تعهد به تضمین یا تعهد به ترغیب - مستلزم بهره‌گیری از سازوکارهایی است که یکی از آنها مداخله بشردوستانه است و این امر در حقوق بین‌الملل امری پذیرفته شده تلقی می‌شود (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۸۵). با این وجود، به کارگیری تعبیری نظیر «مقبول» یا «پذیرفتنی» در توصیف مداخله بشردوستانه، به‌ویژه در موارد نقض فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. به نظر می‌رسد صیانت از کرامت انسانی، اعم از حفظ جان، حیثیت، آبرو و اموال اشخاص، افزون بر آنکه وظیفه‌ای اخلاقی و وجدانی برای تمامی دولت‌ها و ملت‌ها محسوب می‌شود، در اسناد متعدد حقوق بشری نیز به‌عنوان تعهدی الزام‌آور مورد شناسایی قرار گرفته است. این تعهد دو بعد دارد: نخست آنکه هر فرد یا دولتی موظف است خود مرتکب نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نشود و دوم آنکه هر فرد یا دولتی موظف است دیگران را نیز از ارتکاب نقض مزبور باز دارد. این امر را از مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز می‌تواند دریافت. در بخشی از این مقدمه آمده است: «دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند. مجمع عمومی سازمان ملل این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند. تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله

¹<https://www.theguardian.com/global-development/2017/sep/06/who-are-the-rohingya-and-what-is-happening-in-myanmar>, retrieved on: 26/08/2019.

تعلیم و تربیت، احترام به این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند، تامین گردد». پطروس غالی دبیر کل اسبق سازمان ملل در این باره می‌گوید زمان حاکمیت مطلق دولت‌ها سپری شده است و دولت‌هایی که رفتار مجرمانه دارند دیگر نمی‌توانند در پشت مرزهای خود و در پس دیوار حاکمیت کاملاً در امان باشند. (Boutros, 1992:170) بلکه «با هدف تخفیف در رنج و درد انسانی و تحمیل صلح در روابط بین‌الملل مطرح گردیده و نوع جدیدی از مداخله تحت عنوان مداخلات بشر دوستانه در جامعه بین‌المللی مشروعیت یافته است» (صادقی، ۱۳۹۰:۱۰۵).

۴-۱) اصل ممنوعیت سوء استفاده از حق در جریان آزاد اطلاعات

اصل ممنوعیت سوء استفاده از حق را نباید با اصل حسن نیت یکی دانست. اصل حسن نیت مفهومی عام بوده که در حوزه اخلاق ریشه داشته و به تدریج در حقوق، سیاست، جامعه‌شناسی و مانند آن گسترش یافته است. در حالی که سوء استفاده از حق اصلی کاملاً حقوقی و به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی مورد پذیرش ملل متمدن تلقی شده و همانطور که برخی به نقل از حقوق‌دانان ذکر نموده اصل ممنوعیت سوء استفاده از حق زائیده اصل حسن نیت است (زمانی، ۱۳۹۸، ضمیمه). اصل ممنوعیت سوء استفاده از حق قابل تطبیق با قاعده لاضرر و لاضرار است. هرچند مفهوم ضرر، بین صاحب نظران متفاوت بوده است اما بطور کلی ضرر، در مورد نقصان در نفس و مال به کار می‌رود و آسیب‌های ناشی از موضوع مبحث عنه به این دو حوزه مربوط می‌شوند. این قاعده مختص ضررهای شخصی نبوده و شامل اضرار عام هم می‌شود و حتی اهمیت ضرر عمومی به مراتب بیش از ضرر شخصی است. (نیکنام و مسجدسرایبی، ۲۹۸:۱۴۰۲) در هر حال «ضرر» شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد شده به دیگری است ولی «اضرار» مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی به آن سوء استفاده از حق تعبیر می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۱۴۲ و کریمی و شعبانی، ۱۳۹۳: ۱۶۱). بنابر این، در جریان آزاد اطلاعات در

فرایند دریافت و انتشار اطلاعات ضمن آنکه باید توأم با حسن نیت رفتار نمود، نباید از چنین حقی سوء استفاده نمود. ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این باره به صراحت مقرر می‌دارد: «هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر را نمی‌توان به نحوی تفسیر کرد که برای دولتی یا گروهی یا فردی متضمن حقی شود که بنا بر آن، بتواند به فعالیتی دست زند یا کاری انجام دهد که هدف آن از بین بردن حقی از حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه باشد». همچنین کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰^۱ گو اینک بر اصل آزادی بیان تأکید نموده (ماده ۱۰) ولی هرگونه سوء استفاده از حق را ممنوع نموده است. ماده ۱۷ این کنوانسیون با عنوان «ممنوعیت سوء استفاده از حق» مقرر می‌دارد: «هیچ یک از مفاد کنوانسیون حاضر نمی‌تواند به گونه‌ای تعبیر یا تفسیر شود که حق شرکت در هر فعالیتی یا انجام هر اقدامی توسط هر دولت، گروه یا شخصی با هدف نابودی هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این سند یا محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها در حدی فراتر از آنچه در این کنوانسیون پیش‌بینی شده، مجاز شناخته شود.» دقیقاً به همین دلیل است که دادگاه حقوق بشر اروپا^۲ با اینکه بارها و از جمله در پرونده هندی‌ساید علیه بریتانیای کبیر^۳ تأکید کرده است که آزادی بیان (مشمول بر دسترسی به اطلاعات و انتشار آن‌ها) نه تنها شامل اطلاعات و ایده‌هایی می‌شود که به طور مطلوب دریافت و انتشار می‌یابند بلکه شامل اطلاعات و ایده‌هایی نیز می‌شود که ممکن است افکار عمومی را رنجانده یا مزاحمتی برای آن ایجاد کند و دلیل آن را نیز مدارا و بردباری به عنوان لوازم جامعه دموکرات دانسته است^۴، اما همین دادگاه وقتی موضوع نفی هولوکاست و یا سخنان نفرت آمیز در جریان آزاد اطلاعات مطرح می‌شود، آن را انتشار اطلاعات را نوعی سوء استفاده از حق دانسته و ماده ۱۰ کنوانسیون

^۱ European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, 1950.

^۲ European Court of Human Rights.

^۳ Handyside v. United Kingdom, 1976, Center for Professionalization of Media.

^۴ <https://www.refworld.org/cases,ECHR,3ae6b6fb8.html>, retrieved on: 04/01/2020.

اروپایی حقوق بشر را که ناظر بر آزادی بیان است منطبق بر ماده ۱۷ این کنوانسیون تفسیر می‌نماید که ناظر بر ممنوعیت سوء استفاده از حق است (Palevic and Djordjevic, 2013:2) در پرونده‌های متعددی دادگاه اروپایی حقوق بشر از حکم دادن به نفع افراد به بهانه آزادی بیان و حق بشری نسبت به دریافت و انتشار اطلاعات، صرف نظر نموده و دلیل آن را نیز سوء استفاده فرد از حقوق مطرح در کنوانسیون مزبور عنوان نموده است. به عنوان مثال در قضیه دابلوی پی علیه لهستان^۲ در ۲۰۰۴ دادگاه هدف اساسی ماده ۱۷ را جلوگیری از سوء استفاده گروه‌های تمامیت خواه از حقوق مندرج در کنوانسیون ذکر می‌کند. سوء استفاده از حق از نظر این دادگاه در این پرونده در مواردی است که استناد کننده به حقی در کنوانسیون بخواهد فرار و تحاشی از حقوق مندرج در این کنوانسیون را تسهیل نماید.^۴

پرونده دیگری که در این باره قابل اشاره است، پرونده روژه گارودی علیه دولت فرانسه^۵ است. روژه گارودی^۶ فیلسوف فرانسوی در سال ۱۹۹۵ کتاب «افسانه‌های بنیان-گذار اسرائیل مدرن»^۷ را نوشته و منتشر نمود و در سال ۱۹۹۶ آن را بازنشر نمود و در آن منکر هولوکاست^۸ شده بود. در پی انتشار کتاب گارودی، در خلال فوریه تا ژوئیه ۱۹۹۶ چند شکایات کیفری از سوی احزاب مدنی علیه وی به دلیل انکار جنایات علیه بشریت، انتشار اظهارات توهین آمیز نژادی و یهودی ستیزی و تحریک به خشونت نژادی یا مذهبی مطرح شد. این شکایات مستند به متن‌های مختلفی از هر دو نسخه کتاب بوده که توسط

^۱<http://www.webology.org/2013/v10n1/a104.html>, 04/01/2020.

^۲W P and Others v Poland (decision), 2 September 2004 [ECtHR].

^۳ totalitarian groups.

^۴<http://www.associationline.org/guidebook/action/read/section/jurisprudence/cha/pter/7/decision/218>, retrieved on 04/01/2020.

^۵ Garaudy v. France, Appl. no. 65831/01, Decision 24 June 2003.

^۶ Roger Garaudy.

^۷ The Founding Myths of Modern Israel.(Mythes fondateurs de la politique israélienne).

^۸ هولوکاست Holocaust که در عبری به شوآ Shoah نیز معروف است.

برخی احزاب مدنی و سازمان‌های حقوق بشری ارائه شده و در پی آن تحقیقات قضایی آغاز شد و در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ به حبس و جریمه نقدی محکوم و محکومیت وی در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ توسط دیوان محاسبات فرانسه^۱ تأیید شد. استدلال دادگاه‌های داخلی فرانسه این بود که ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را (که ناظر بر آزادی بیان و حق انسان به دسترسی آزاد به اطلاعات و انتشار آن است)، باید با توجه به ماده ۱۷ این کنوانسیون تفسیر نمود که ناظر بر ممنوعیت سوء استفاده از حق است و مطابق آن نمی‌توان از مواد کنوانسیون تفسیری داشت که افراد بتوانند اقداماتی انجام دهند که حقوق و آزادی‌های اساسی مندرج در کنوانسیون مخدوش گردد. از نظر دادگاه آزادی بیان (از جمله دریافت و انتشار اطلاعات) شامل آن دسته از وقایع تاریخی که وقوعشان به روشنی اثبات شده مانند هولوکاست نمی‌شود! وقایعی که انکار یا تجدیدنظرشان منجر به خروج از حمایت ماده ۱۰ با استناد به ماده ۱۷ خواهد شد. چه اینکه هر نوع اظهار نظری (مانند سایر اظهارات علیه ارزش‌های اساسی کنوانسیون) که حامی نازیسم باشد، نمی‌تواند از حمایت ماده ۱۰ برخوردار باشد! آروژه گارودی در پی این محکومیت، در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۰ در دادگاه اروپایی حقوق بشر علیه دولت فرانسه طرح دعوی نموده و مستند به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در باره آزادی بیان و حق دسترسی و نشر اطلاعات، مدعی بود که حق وی در این باره نقض شده است. ضمن آنکه کتاب وی علیه صهیونیسم نوشته شده و اساساً محتوای نژاد پرستی و ستیزه جویی ندارد. وی بر این باور بود از آنجا که وی را نمی‌توان یک تجدیدنظرخواه^۳ نامید، باید به او آزادی بیان نامحدود داده شود. اما دادگاه با استناد به ماده ۱۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که ناظر بر ممنوعیت سوء استفاده از حق است، ادعای گارودی را رد کرد. دادگاه رای داد که هدف ماده ۱۷ کنوانسیون، این است که مردم نتوانند مستنبط از حقوق مندرج در این

^۱ Court of Cassation.

^۲ <https://hudoc.echr.coe.int/eng#%7B%22itemid%22:%5B%22001-23829%22%5D%7D>,
retrieved on: 04/01/2020.

^۳ Revisionist.

کنوانسیون رفتاری نمایند که با حقوق و آزادی‌های مندرج در آن در تعارض باشد. بنابراین، هیچ کس نمی‌تواند به کنوانسیون به عنوان مبنایی برای شرکت در هر عملی که خلاف مفاد آن باشد، استناد کند. دادگاه رأی داد: «از آنجا که کتاب خواهان، در کل، تمایل چشمگیری به تجدید نظرخواهی نشان داده و برخلاف ارزش‌های اساسی کنوانسیون، یعنی عدالت و صلح است. خواهان به دنبال خدشه وارد کردن به ماده ۱۰ کنوانسیون با استفاده از حق خود در آزادی بیان بوده است و ماده ۱۰ کنوانسیون را از هدف مورد نظر خود منحرف کرده است. در نتیجه او نمی‌تواند به ماده ۱۰ (به عنوان مستندی برای حق دریافت و نشر اطلاعات) استناد کند و شکایت او ناسازگار با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد (Ibid).

ممنوعیت سوء استفاده از حق دریافت و نشر اطلاعات و به طور کلی آزادی بیان در برخی آرای حقوقی دیگر نیز انعکاس داشته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۷ دادگاه رواندا اظهار نمود که آزادی بیان و حق‌رهایی از تبعیض^۱، حقوق انحصاری و جداگانه نیستند؛ بیانات نفرت‌انگیز نمی‌تواند مورد حمایت حقوق بین‌الملل قرار گیرد. چه اینکه کشورها طبق حقوق بین‌الملل، موظف‌اند هر نوع تنفر ملی، نژادی و مذهبی را که منجر به تبعیض، خصومت و خشونت می‌شود، ممنوع نمایند. (Palevic and Djordjevic, 2013:2)

۲) موارد استثنا و محدودیت‌های جریان آزاد اطلاعات

به طور کلی دو دسته محدودیت بر جریان آزاد اطلاعات وارد است؛ برخی از آن‌ها به منظور حفظ حقوق عامه مردم و برخی به منظور حمایت از حقوق و آزادی‌های آحاد جامعه وضع شده‌اند.

۲-۱) محدودیت‌های ناشی از حفظ حقوق عامه مردم

دسته اول از محدودیت‌های جریان آزاد اطلاعات، محدودیت‌هایی است که به دلیل حفظ حقوق عامه مردم و مصالح عمومی بر فرایند دسترسی به اطلاعات و انتشار آن

^۱ The right to freedom from discrimination.

اعمال می‌شود. مهم‌ترین این محدودیت‌ها عبارت‌اند از: اخلاق، امنیت ملی، رفاه همگانی و نظم عمومی.

۲-۱-۱) مقتضیات عادلانه اخلاق

ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس در اجرای حقوق و در مقام برخورداری از آزادی‌های خویش، تنها از محدودیت‌هایی پیروی می‌کند که قانون تنها به منظور تامین شناسایی و حرمت به حقوق و آزادی‌های دیگران، بالجمله برای تحقق بخشیدن به مقتضیات عادلانه اخلاق و نظم عمومی و رفاه همگانی، در یک جامعه دموکرات وضع کرده باشد.» ملاحظه می‌شود مطابق این ماده اصل بر عدم محدودیت در اجرای حقوق و برخورداری از آزادی‌های بشری؛ از جمله حق دریافت و نشر اطلاعات است. با این حال این اصل با استثنائاتی مواجه است که یکی از آنها «مقتضیات عادلانه اخلاق» است. با توجه به اینکه ماده ۱۹ این اعلامیه «حق دریافت و انتشار اطلاعات» را از جمله حقوق مسلم بشری دانسته است، با انطباق این ماده بر ماده ۲۹ این اعلامیه در مواردی که حق دریافت و انتقال اطلاعات با مقتضیات عادلانه اخلاقی در تضاد باشد، با مانع و محدودیت مواجه می‌شود؛ زیرا اعلامیه مزبور باید به مثابه یک سند جامع و به صورت واحد ملاحظه شود. لازم به یادآوری است همانطور که در ماده ۲۹ تصریح شده است مقتضیات عادلانه اخلاق نمی‌بایست به عنوان مفهومی انتزاعی و کلی مستندی برای اعمال محدودیت تلقی شود بلکه باید مطابق استانداردهای جوامع مردم‌سالار و دموکرات در قوانین موضوعه گنجانده شده باشد.

همچنین قسمت ب از بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به وضوح از «اخلاق عمومی» در کنار سایر محدودیت‌ها یاد نموده است. در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز با اینکه در بند ۱ ماده ۱۰ بر حق آزادی بیان (مشمول بر دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها) تصریح نموده است اما در بند ۲ این ماده «اخلاق همگانی» را به عنوان یکی از محدودیت‌های موجود در جریان آزاد اطلاعات برشمرده و دسترسی به اطلاعات و نشر آن را در صورتی که به منظور صیانت از اخلاق همگانی اعمال برخی محدودیت‌ها لازم باشد، ضروری دانسته است. در بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز

بر حق دریافت و انتشار اطلاعات تصریح نموده ولی در بند ۲ این ماده حمایت از اخلاق را به عنوان یکی از محدودیت‌های آن بر شمرده است. بند ۴ ماده ۱۳ کنوانسیون مزبور به مورد دیگری به طور خاص اشاره می‌کند که ناظر بر توجه ویژه به مسایل اخلاقی کودکان است و مطابق آن «سرگرمی‌های عمومی ممکن است صرفاً با هدف محافظت اخلاقی از کودکان و نوجوانان، مشمول سانسور قبلی شود». به طور کلی، مطابق ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، سانسورهای قبلی نسبت به جریان آزاد اطلاعات وجود ندارد ولی مسئولیت بعدی در مواردی از جمله مواردی که در تضاد با مسایل اخلاقی باشد، وجود دارد. با این حال به دلیل اهمیت مسایل مرتبط با کودکان و نوجوانان، سرگرمی‌های مرتبط با این گروه‌های سنی به دلایل اخلاقی می‌تواند حتی مشمول سانسورهای قبلی نیز واقع شوند.

۲-۱-۲) امنیت ملی

مطابق ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی علاوه بر اخلاق، بر حفظ امنیت ملی به عنوان یکی از محدودیت‌های جریان آزاد اطلاعات نیز تأکید شده است. بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز حق دریافت و انتشار اطلاعات را همراه با مسئولیت‌هایی دانسته و گفته است که این حقوق ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشند که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور حفظ منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی جهت ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم و مانند آن لازم و ضروری هستند. حفظ و حمایت از اسرار دولتی و به تعبیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، «جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه»، «حفظ اقتدار و بی طرفی دستگاه قضایی»، «تمامیت ارضی» و «ایمنی عمومی» نیز که در کنوانسیون مزبور به عنوان عوامل محدودکننده جریان آزاد اطلاعات از آن یاد شده، جملگی در راستای حفظ امنیت ملی قابل تفسیر است؛ زیرا اساساً امور یاد شده شاخه‌هایی از امنیت ملی یک کشور تلقی می‌شوند. اطلاعاتی که به عنوان اسرار دولتی تلقی می‌شوند درست است که در نهایت متعلق به مردم است ولی گاهی انتشار بی موقع آن و یا دسترسی افراد خاصی به آن ممکن است به ضرر منافع جمعی ملت بوده و امنیت

ملی را در خطر اندازد. این اطلاعات می‌بایست تحت محدودیت‌های خاصی با سازوکار خاصی منتشر شود. از سوی دیگر حفظ همیشگی این اطلاعات نیز چه بسا خود منجر به سوء استفاده افرادی شود که حافظ این اطلاعات بوده و آنچه به منظور امنیت حفظ شده به ضد خود تبدیل شود. به همین دلیل کشورها برای جلوگیری از چنین وضعیتی قوانینی وضع می‌نمایند که اطلاعات سری پس از سپری شدن چند سال می‌بایست منتشر شوند تا هم مردم از آنچه زمانی اطلاعات سری تلقی می‌شده آگاهی یابند و هم حافظان این اطلاعات نتوانند از آن سوء استفاده نمایند. به هر حال، اسرار دولتی شامل اسرار نظامی، اسرار سیاسی، اسرار اجتماعی، اسرار جاسوسی و ضد جاسوسی، اسرار علمی و مانند آن می‌شود ولی قانون‌گذاران در گستره سری بودن اطلاعات و اعمال وصف «اسرار» بر اطلاعات باید وسواس و احتیاط لازم را داشته باشند تا منجر به نقض حق اساسی آزادی بیان و حق دسترسی عموم به اطلاعات و انتشار آن نشود. این همان چیزی است که در بخش ضوابط و اصول حاکم بر جریان آزاد اطلاعات به عنوان ممنوعیت سوء استفاده از حق از آن یاد کردیم. ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز با اینکه حق دریافت و انتشار اطلاعات را از جمله حقوق اساسی انسان دانسته ولی یکی از محدودیت‌های آن را حمایت از امنیت ملی عنوان نموده است.

در اینکه امنیت ملی از چنان اهمیتی برخوردار است که بتواند بسیاری از حقوق و آزادی‌های بشری را محدود نماید، تردیدی نیست ولی متأسفانه ابهام مفهومی و وسعت مصداقی آن به گونه‌ای است که بسیاری از دولت‌ها آن را دستاویزی برای منع برخورداری ملت خویش از حقوق اولیه و بنیادین نموده‌اند. امنیت ملی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و مانند آن ظهور و بروز دارد و بدیهی است که حاکمات برای حفظ امنیت در عرصه‌های یاد شده، خطوط قرمزی را ترسیم نمایند ولی باید بدانند که هدف نهایی از اعمال این محدودیت‌ها، مصلحت عامه مردم است. بدینسان باید تلاش نمایند این خطوط و حدود به گونه‌ای ترسیم شوند که منافع ملت را در خطر نیندازد. به همین علت است که مستنبط از اسناد حقوق بشری یاد شده امنیت ملی به عنوان یک مفهوم کلی و انعطاف پذیر و بدون آنکه در قوانین موضوعه و مطابق استانداردهای

جوامع مردم‌سالار گنجانده شود، نمی‌تواند مستندی برای محدود نمودن جریان آزاد اطلاعات باشد.

۲-۱-۳) نظم عمومی

نظم عمومی نیز بسان مقتضیات عادلانه اخلاقی و نظم عمومی، سومین محدودیتی است که اسناد حقوق بشری در راستای تأمین حقوق و آزادی‌های عمومی مردم در جریان آزاد اطلاعات ملاحظه نموده‌اند. ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله اسناد مزبور است که نظم عمومی را استثنایی بر حکم کلی حق دریافت و انتشار اسناد عنوان نموده است. البته هر دو ماده مزبور اعمال این محدودیت را مشروط به آن نموده‌اند که در قوانین موضوعه گنجانده شده باشند با این تفاوت که بر خلاف ماده ۲۹ در ماده ۱۹ سخنی از مطابقت با استانداردهای جوامع مردم‌سالار به میان نیامده است. پیش از این از ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یاد شد که این ماده با عنوان آزادی بیان، «دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها» را حق بنیادین بشر دانسته ولی برای آن محدودیت‌هایی در نظر گرفته است که برخی از آن‌ها ناظر بر نظم عمومی است. به عنوان مثال در بند ۱ همین ماده مقرر داشته است: «این ماده، مانع تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز به منظور انتشار اخبار یا فعالیت‌های بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود». بدیهی است ملزم نمودن بازیگران عرصه ارتباطات و اطلاعات، ناشران، دریافت‌کنندگان اطلاعات و مانند آن، به گرفتن مجوز از سوی نهادهای عمومی ذی‌ربط به دلیل حفظ نظم عمومی و در راستای اعمال مسئولیت و پاسخگو نمودن آنان نسبت به پیامدهای دریافت و انتشار اطلاعات از سوی آنهاست. با این حال کنوانسیون به بند مزبور اکتفا ننموده و در بند ۲ این ماده دریافت و نشر اطلاعات را محدود به اموری از جمله ممانعت از ایجاد هرج و مرج یا ارتکاب جرایم و مانند آن دانسته است. در این کنوانسیون نیز موضوعه بودن قوانین محدود کننده و نیز ملاک بودن جوامع مردم‌سالار و دموکرات به عنوان شروط محدودیت نظم عمومی عنوان شده است.

حاصل اسناد حقوق بشری فوق این است که دسترسی به اطلاعات و نیز انتشار آن حق غیر قابل انکار عموم مردم است ولی این امر نباید با نظم عمومی منافات داشته باشد و اگر موجب هرج و مرج و بی نظمی شود، مطابق قوانین موضوعه یک جامعه آزاد و مردم سالار می توان مانع آن شد.

۲-۱-۴ رفاه و سلامت عمومی

یکی دیگر از محدودیت‌ها و موارد استثنای جریان آزاد اطلاعات، رفاه اجتماعی است. اسناد حقوق بشری بر رفاه اجتماعی به عنوان عنصر محدود کننده حقوق بشر یاد کرده‌اند. در ماده ۱۹ میثاق بین‌الملل وقتی از موارد استثنا و محدودیت‌های حاکم بر آزادی بیان و دریافت و انتشار اطلاعات سخنی می‌گوید به «public health» اشاره می‌کند. این عبارت در متون رسمی فارسی منتشر شده از این میثاق^۱ به «سلامت عمومی» ترجمه شده است. در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر از عبارت «general welfare» به عنوان یکی از موارد استثنای حقوق و آزادی‌های مقرر در اعلامیه یاد کرده است. این عبارت به معنای «رفاه عمومی» است در حالی که در بسیاری از ترجمه‌های غیر رسمی از اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را به «مصلح عامه» ترجمه کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی مفهومی و تنوع مصداقی مصالح عامه راه برای سوء استفاده در مسیر نقض حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را باز نموده و این با روح حاکم بر نظام بین‌الملل بشر در راستای مراعات دقیق حقوق بشر منافات دارد. ضمن اینکه نظم عمومی، امنیت ملی و مانند آن که در اسناد حقوق بشری به عنوان موارد استثنای آزادی بیان ذکر شده می‌تواند خود مصداقی از مفهوم کلی مصالح عامه باشد؛ نویسنده در این میان عبارت «رفاه اجتماعی» را به ترجمه‌های دیگر ترجیح می‌دهد؛ زیرا هر دو عبارت فوق‌العاده «general welfare» و «public health» را پوشش می‌دهد و هم مشکلات معنایی مصالح عامه را ندارد.

۱. از جمله قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۷

به هر حال، رفاه و سلامت عمومی در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر از عوامل محدود کننده حقوق اساسی بشر (که یکی از آن‌ها حق دریافت و انتشار اطلاعات است) یاد شده است. مرکز آموزش مدنی امریکا در توضیح قید «رفاه همگانی» در بند ۸-۱ از ماده ۱ قانون اساسی کنگره را موظف به وضع قوانینی جهت دستیابی به آن نموده می‌گوید: رفاه عمومی به معنای تندرستی و سعادت^۱ ملت و مردم یک کشور است. وقتی از رفاه عمومی سخن گفته می‌شود، منظور رفاه همه آحاد جامعه است، نه صرفاً گروهی اندک و یا حتی اکثریت جامعه. برخی مصادیق رفاه عمومی عبارت‌اند: محیط زیست سالم، آب و هوای پاک، مراقبت‌های بهداشتی، فراهم آوردن آموزش و پرورش رایگان، وسایل حمل و نقل عمومی، بزرگراه‌ها، تونل‌ها، پارک‌های تفریحی و مانند آن. این مرکز حتی دایره آن را به مبارزه با تروریسم و نیز امنیت ملی توسعه داده است. با این حال با توجه به اینکه در اسناد حقوق بشری مباحث مرتبط با امنیت ملی و نظم عمومی و اخلاق را به صورت جداگانه ذکر کرده است، مناسب است که دایره رفاه عمومی را در امور یاد شده بجز مسایل مربوط به امنیت و اخلاق و نظم عمومی منحصر نمود. حتی این بخش از توسعه مفهومی و مصداقی «رفاه عمومی» به صورت جدی می‌تواند حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان را به ویژه در فرایند جریان آزاد اطلاعات به خطر اندازد. تصور کنید از یک سو اسناد حقوق بشر دستیابی عموم مردم به اطلاعات و نیز انتشار آن را حقی غیر قابل انکار می‌دانند ولی مطابق همین اسناد اگر دریافت و نشر این اطلاعات با رفاه همگانی در تعارض باشد، حق مزبور محدود بشود.

۲-۲) محدودیت‌های ناشی از حفظ حقوق و آزادی‌های فردی

گذشته از محدودیت‌های ناشی از حفظ حقوق عامه که در گفتار پیش به آن پرداخته شد، برخی محدودیت‌ها در جهت حمایت از حقوق خصوصی و فردی اشخاص اعمال

^۱ well-being.

^۲<https://www.civiced.org/resources/curriculum/911-and-the-constitution/terms-to-know#generalwelfare>, retrieved on: 02/01/2020.

می‌شود. مالکیت افراد بر اطلاعات، حریم خصوصی و ممنوعیت تعدی به حقوق دیگران از جمله موارد استثنای وارد بر جریان آزاد اطلاعات بوده و در این گونه موارد محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی بر حق دریافت و انتشار اطلاعات اعمال می‌شود.

۲-۲-۱ مالکیت بر اطلاعات

مالکیت بر اطلاعات می‌تواند به مثابه سدی مستحکم در برابر جریان آزاد اطلاعات مقاومت نماید؛ زیرا به همان میزان که در نظام بین‌الملل حقوق بشر بر حق دسترسی عمومی و آزاد به اطلاعات تأکید شده، «مالکیت بر اطلاعات» نیز مورد تأکید همین اسناد بین‌المللی واقع شده است. در بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر کس حق دارد از منافع معنوی و مادی ناشی از تولیدات علمی، ادبی و هنری که خود به وجود آورده است، حمایت شود». مالکیت بر اطلاعات در اسناد بین‌المللی دیگری نیز پذیرفته شده است. موافقت‌نامه ۱۸۸۶ برن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری^۱، کنوانسیون جهانی ۱۹۵۲ در باره کپی‌رایت^۲، موافقت‌نامه ۱۹۹۳ راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری موسوم به تریپس^۳، معاهده ۱۹۹۶ WCT^۴، معاهده ۱۹۹۶ WPPT^۵ و مانند آن مقررات صریحی در باره مالکیت بر اطلاعات و اختصاص آن به تولیدکننده اطلاعات وجود دارد. به عنوان مثال بند ۲ ماده ۱۰ موافقت‌نامه تریپس به حمایت از بانک اطلاعات اختصاص داده شده و مقرر داشته است: «جمع‌آوری داده‌ها یا مواد دیگر، چه در ماشین قابل خواندن باشد و چه در شکل‌های دیگر که به دلیل گزینش یا تنظیم محتویات آن‌ها، تشکیل دهنده یک خلاقیت فکری هستند نیز باید مورد حمایت قرار گیرد. این حمایت تنها خود اطلاعات یا موضوعات را در بر نمی‌گیرد، بلکه باید

^۱ moral and material interests.

^۲ The Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works.

^۳ Universal Copyright Convention (UCC).

^۴ Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights, (Trips).

^۵ The WIPO Copyright Treaty (WCT).

^۶ The WIPO Performances and Phonograms Treaty (WPPT).

بدون تبعیض شامل کپی رایت مربوط به خود اطلاعات یا مواد هم بشود». علاوه بر اسناد فوق، ماده ۱۵ اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر در اسلام بر حق مالکیت انسان تأکید نموده و مقرر داشته است: «هر انسانی حق مالک شدن از راه‌های شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت به گونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه». مالکیت بر اطلاعات، این حق را به مالک آن می‌دهد که از افشای اثر خود به عموم جلوگیری کند و اطلاعات خود را از آن‌ها دریغ نموده و یا آن را تابع شرایط خاص قرار داده و یا حق تکثیر اثر خود را به صورت مشروط یا غیر مشروط به شخص خاصی واگذار نماید.

۲-۲-۲) حریم خصوصی

در جریان آزاد اطلاعات، هم افراد و هم دولت‌ها تلاش می‌کنند حریم خصوصی افراد را نقض کنند. این تعرض به حریم خصوصی با پیشرفت فناوری اطلاعات آسان‌تر از گذشته انجام می‌پذیرد، اگر روزگاری نقض حریم خصوصی در شکل جاسوسی، سرک کشیدن به مکاتبات، مراسلات و مکالمات و مانند نقض می‌شد، امروز از طریق پیچیده‌ترین ابزار اطلاعاتی به ویژه ماهواره‌ها به آسانی می‌توان خصوصی‌ترین روابط انسان‌ها را به مخاطره انداخت. از سوی دیگر با افزوده شدن فضای مجازی به زندگی واقعی انسان، دایره حریم خصوصی به اموری چون پست الکترونیک، صفحات اختصاصی، پایگاه‌های اینترنتی خصوصی و مانند گسترش یابد. حاصل چنین تحولاتی این است فناوری اطلاعات هم می‌تواند بستر نقض حریم خصوصی تلقی شود و هم می‌تواند بستر نقض حریم خصوصی را فراهم نماید. وقتی از جریان آزاد اطلاعات به عنوان ابزاری برای دریافت و انتشار اطلاعات دیگران استفاده شود، بستر نقض حریم خصوصی را فراهم نموده و وقتی فضای مجازی مرتبط با انسان نقض شود در واقع بستر نقض حریم خصوصی تلقی شده است.

نقض حریم خصوصی در نظام بین‌الملل حقوق بشر مورد توجه جدی قرار گرفته است. ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر «شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های

دیگران» را از موارد محدود کننده حقوق بشر دانسته است. نتیجه منطقی این سخن این است که حق دسترسی به اطلاعات و نشر آن نیز که پیش از این در ماده ۱۹ اعلامیه از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر شمرده شده است، محدود به این است که این حق معارض با حقوق و آزادی‌های دیگران نباشد. با توجه به اینکه ماده ۱۲ اعلامیه «زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت، یا مراسلات» افراد را از «دخالت خود سرانه» دیگران ممنوع نموده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حریم خصوصی در فرایند دریافت و انتشار اطلاعات نباید مورد تعرض واقع شود. البته همانطور که در محدودیت‌های دیگر نیز بیان شد حقوق و آزادی‌هایی که نباید سایر حقوق و آزادی‌ها با آن در تعارض باشد، می‌بایست در قوانین موضوعه مطابق با استانداردهای کشورهای آزاد و دموکرات گنجانده شده باشند. ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی زندگی خصوصی، خانواده، اقامتگاه و مکاتبات» و مانند آن را مصون از تعرض معرفی نموده است. با توجه به اینکه در ماده ۱۹ میثاق نیز ابتدا حق دسترسی به اطلاعات و نشر آن به عنوان مصداقی از آزادی بیان شمرده شده و این حق را محدود به اموری از جمله «احترام به حقوق یا حیثیت دیگران» نموده است، چنین نتیجه گرفته می‌شود که حریم خصوصی به عنوان یکی عوامل محدود کننده جریان آزاد اطلاعات تلقی شده است. ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز با عنوان «حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد» مقرر می‌دارد: «۱- هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است...» از سوی دیگر در ماده ۱۰ کنوانسیون ضمن تأکید بر حق دریافت و نشر اطلاعات، برای این حق محدودیت‌هایی از جمله «حمایت از حیثیت یا حقوق سایرین» و «جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه» در نظر گرفته است. ماده ۱۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز با عنوان «حق حریم خصوصی» مقرر می‌دارد: «۱. هر کس حق دارد که حیثیتش محترم و کرامتش به رسمیت شناخته شود. ۲. هیچ کس نمی‌تواند هدف مداخله‌های خودسرانه یا سوءاستفاده در زندگی شخصی، خانواده، خانه، یا مکاتبات وی یا حملات غیرقانونی به ناموس یا شهرت وی باشد. ۳- هر کسی حق دارد از قانون در برابر چنین مداخلات یا حملاتی محافظت

شود». بند ۱ ماده ۱۳ این کنوانسیون نیز ضمن تأکید بر حق دریافت و نشر اطلاعات «احترام به حقوق یا حیثیت دیگران» را از چنین حقی استثنا نموده است.

۲-۳) تعارض استثنای امنیت ملی و حفاظت از حریم خصوصی

بطور کلی؛ اسناد بین المللی درباره حق دسترسی به اطلاعات، با تعیین استثنائاتی مقید می شود؛ امنیت ملی و حفاظت از حریم خصوصی شهروندان از رایج ترین نمونه ها هستند. از قضا، این دو اصل به طور فزاینده ای با یکدیگر در تعارض هستند. حریم خصوصی، یک حق بشری را در برابر حق دسترسی به اطلاعات قرار می دهد و دولت ها را ملزم می سازد راه های عادلانه ای برای جمع و سازگاری میان این دو بیابد. (Solove, 2008:8) امنیت ملی، در ظاهر امر، قدرت دولت را در برابر حق دسترسی به اطلاعات قرار می دهد. (Donohue, 2006: 1059) طرفداران شفافیت ممکن است نسبت به میزان توسل دولت ها به امنیت ملی به عنوان توجیهی برای نقض حریم خصوصی خوشبین نباشند. (Mell, 2002: 375).

استثنای امنیت ملی دارای دو نوع اثر وضعی است: نخست، تحمیل محرمانگی بر طیف وسیعی از موضوعات مورد اهتمام عموم؛ و دوم، تحت نظارت قرار دادن فعالیت های شهروندان، در راستای پیشگیری از جرم. بعنوان مثال؛ در بریتانیا، قانون اسرار رسمی^۱ مصوب ۱۹۸۹ بطور بالقوه بخش گسترده ای از اطلاعات رسمی را تحت حمایت مطلق در برابر افشا توسط اشخاص دخیل قرار می دهد. (Ormerod and Murphy, 2011:568) عبارت «به تایید قانون اسرار رسمی» روشی برای توصیف فرآیند تحمیل این ممنوعیت بر کارکنان دولت است. (Fenwick & Phillipson, 2006: 118) هم زمان که قانون اسرار رسمی محرمانگی را تحمیل می کند، مجموعه ای از تدابیر – که با مقرره اختیارات تحقیقاتی^۲ ۲۰۰۰ آغاز شد و با قانون مبارزه با تروریسم، جرم و امنیت ۲۰۰۱

۱. Official Secrets Act 1989

۲. Regulation of Investigatory Powers Act, 2000

ادامه یافت - اختیارات گسترده‌ای را تعریف می‌کنند که به موجب آن، مقامات می‌توانند جزئیات فعالیت‌های مخابراتی افراد را از ارائه‌دهندگان خدمات دریافت کنند؛ (Zedner, 2005:510) در ایالات متحده آمریکا، قانونی مرتبط با این موضوع، یعنی قانون پاتریوت^۱ در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید که حتی با مخالفت قاطع انجمن کتابخانه‌های آمریکا مواجه شد؛ زیرا این قانون قادر است جزئیات استفاده افراد حتی از کتابخانه‌ها را در معرض نظارت سرویس‌های امنیتی قرار دهد.. (Mell, 2002: 385)

اینکه با توجه محرمانگی نظارت بر اطلاعات شهروندان اعمال می‌شود؛ در سراسر جهان - حتی بین دولت‌های غربی - مرسوم است. این وضعیت، از یک طرف حدود دسترسی مجاز دولت‌ها را تعیین می‌کند و از طرفی دیگر یک اصل مبتنی بر حقوق را به گونه‌ای وارونه می‌سازد که در عمل، حق دوم یعنی حریم خصوصی اشخاص در معرض تهدید قرار می‌گیرد. (Solove, 2008:22)

حمایت از حریم خصوصی اشخاص ممکن است در فهرست حقوق بشر ظاهر شود، چنان‌که در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است؛ اما حمایت تقنینی از این حق در همه کشورها به طور یکسان وجود ندارد. کشوری مانند فرانسه، در ماده ۹ قانون مدنی خود، قانون مصوب ۱۹۷۰ دارد که دامنه گسترده‌ای از حمایت از حریم خصوصی را ارائه می‌دهد؛ (Fenwick & Phillipson, 2006: 97) اما قانونگذاران بریتانیا در این خصوص دو قانون را به تصویب رسانند. نخست، قانون حفاظت از داده‌ها ۱۹۹۸ و دوم، حقوق مربوط به قانون نقض اعتماد است.. (Bennett & Raab, 2006: 62)

^۱ . قانون پاتریوت ایالات متحده که توسط رییس جمهور وقت آمریکا جورج دبلیو بوش به قانون تبدیل شد. و عنوان رسمی آن، "قانون اتحاد و تقویت آمریکا با ارائه ابزارهای مناسب مورد نیاز برای رهگیری و جلوگیری از تروریسم" است این قانون پس از حملات ۱۱ سپتامبر با هدف تقویت امنیت ملی ایالات متحده، به ویژه در رابطه با تروریسم خارجی، تصویب شد. به طور کلی، این قانون شامل سه ماده اصلی بود: گسترش توانایی‌های نظارتی نیروهای انتظامی، از جمله شنود تلفن‌های داخلی و بین‌المللی؛ ارتباطات بین سازمانی آسان‌تر برای اجازه دادن به سازمان‌های فدرال برای استفاده مؤثرتر از تمام منابع موجود در تلاش‌های ضد تروریسم؛ و افزایش مجازات برای جرایم تروریستی و فهرست گسترده‌ای از فعالیت‌هایی که واجد شرایط اتهامات تروریستی هستند.

در واقع، هر دو مورد، اطلاعاتی را حمایت می‌کنند که پیش‌تر با دیگران به اشتراک گذاشته شده‌اند: درخصوص حریم خصوصی نظام حمایت از داده‌ها هشت اصل را مقرر می‌دارد که باید توسط اشخاص و نهادهایی - اعم از بخش عمومی و خصوصی - که در جریان عادی فعالیت‌های خود اطلاعات مربوط به اشخاصی را که با آنها تعامل دارند جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند، رعایت شود. این نظام به شهروندان اجازه می‌دهد بدانند چه اطلاعاتی درباره آنان نگهداری می‌شود و سازوکارهایی فراهم می‌آورد که به وسیله آنها بتوانند از صحت و رسیدگی مناسب به این اطلاعات اطمینان حاصل کنند. حقوق مربوط به قانون نقض اعتماد نیز امکان جبران خسارت را برای افرادی فراهم می‌کند که اطلاعاتشان، پس از آنکه با شخص دیگری به اشتراک گذاشته شده، بدون رضایت آنان افشا می‌شود. (Birks, 2000:241)

۳- محدودیت‌های مشروع در دسترسی به اطلاعات در فقه اسلامی

هرچند در فقه اسلامی اصل بر آگاهی، شفافیت و حق دسترسی به اطلاعات است، اما این حق همانند بسیاری از حقوق دیگر مطلق نبوده و با قیود و محدودیت‌هایی همراه است. در اندیشه فقهی، هیچ حقی بدون ملاحظه مصالح عمومی، حقوق دیگران و نظم اجتماعی تعریف نمی‌شود. از این منظر، دسترسی به اطلاعات نیز در مواردی که با امنیت جامعه، حریم خصوصی افراد یا مصلحت عمومی تزاخم پیدا کند، می‌تواند محدود شود. این محدودیت‌ها نه به معنای نفی اصل حق دسترسی، بلکه ناظر بر تنظیم و هدایت آن در چارچوب ضوابط شرعی است.

۳-۱- حفظ اسرار مشروع حکومتی

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های مشروع در دسترسی به اطلاعات، حفظ اسرار حکومتی و اطلاعاتی است که افشای آن می‌تواند به منافع عمومی یا اداره جامعه آسیب برساند. در فقه اسلامی، حکومت امانتی برای تأمین مصالح جامعه تلقی می‌شود و بخشی

از تدبیر حاکم، حفظ اطلاعاتی است که انتشار نابهنگام یا بی ضابطه آن موجب اختلال در اداره امور می شود. مستند قرآنی این موضوع در آیه شریفه ۸۳ سوره نساء قابل بررسی است؛ این آیه، انتشار شتابزده اخبار امنیتی را نقد کرده و ارجاع آن را به صاحبان صلاحیت لازم می داند. بسیاری از مفسران این آیه را ناظر بر ضرورت مدیریت مسئولانه اطلاعات مرتبط با امنیت عمومی دانسته اند (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۸۹/۵). در فقه سیاسی نیز حفظ اسرار مربوط به دفاع، سیاست خارجی، تدابیر حکومتی و امنیت عمومی از مصادیق «مصلحت عامه» محسوب می شود. ابوحامد غزالی مصلحت را از مهم ترین مبانی اداره جامعه می داند و تصریح می کند هر امری که حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال را تأمین کند، داخل در مصلحت است (غزالی، ۲۸۶/۱). بر این اساس، دسترسی آزاد به اطلاعات شامل اطلاعاتی که افشای آن‌ها موجب تهدید منافع مشروع عمومی شود، نمی شود.

۲-۳- امنیت عمومی و مصالح جامعه

از منظر فقه اسلامی، هر حقی در چارچوب مصلحت جامعه معنا پیدا می کند. اگر انتشار اطلاعاتی موجب ایجاد آشوب، تضعیف نظم عمومی، تهدید امنیت اجتماعی شود، محدود کردن آن می تواند مشروع باشد. یکی از قواعد مهم فقهی در این زمینه، اصل حفظ نظام است. به این معنا که بسیاری از فقها حفظ نظام اجتماعی جامعه را واجب دانسته اند و هر امری که موجب اختلال در آن شود را قابل منع می دانند (منتظری، ۱۳۸۷: ۵۳۴). همچنین قاعده مشهور اولویت دفع مفسده بر جلب منفعت که بعنوان یک قاعده فقهی اشتهار یافته (فاضل تونی، ۱۴۱۲: ۹۷) در این حوزه کاربرد مستقیم دارد؛ به این معنا که اگر انتشار اطلاعات هر چند واجد منفعتی باشد اما مفسده بزرگ تری ایجاد کند، دفع آن مفسده اولویت دارد.

۳-۳- حریم خصوصی اشخاص

یکی از روشن ترین محدودیت های دسترسی به اطلاعات در فقه اسلامی، حرمت ورود به حریم خصوصی افراد است. در واقع، فقه اسلامی میان «اطلاعات عمومی» و «اطلاعات خصوصی» تفکیک قائل است و دومی را تحت حمایت جدی قرار می دهد.

قرآن کریم صراحتاً در آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «وَلَا تَجَسَّسُوا» این آیه یکی از اصلی‌ترین مبانی فقهی منع تجسس و حفاظت از حریم خصوصی تلقی می‌شود. در سنت نیز افشای اسرار اشخاص نکوهش شده است. حضرت رسول (ص) فرمودند: «من ستر مؤمناً ستره الله يوم القيامة» در فقه، قواعدی مانند حرمت تجسس، حرمت غیبت، حرمت افشای سرّ و حرمت هتک حرمت مؤمن همگی در حمایت از حریم خصوصی قابل تحلیل‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۶۴/۱). بر این اساس، حق دسترسی آزاد به اطلاعات هرگز مجوز ورود به اطلاعات شخصی یا نقض حریم خصوصی افراد نیست.

بند ب ماده ۱۸ اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر در اسلام نیز حفظ حریم خصوصی را از جمله حقوق اولیه و بنیادین بشر دانسته و تجسس در آن را ناورا می‌داند. در این ماده آمده است: «هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شؤون حمایت شود». از سوی دیگر، بند الف ماده ۲۲ اعلامیه مزبور مقرر داشته است: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد...» مقید نمودن آزادی بیان (که به طور طبیعی مشتمل بر حق دریافت و انتقال اطلاعات نیز می‌شود) به عدم مغایرت با اصول شرعی این نتیجه را در پی خواهد داشت که حق مزبور شامل حریم خصوصی نمی‌شود. دلیل این امر این است که در قرآن و روایات مکرراً از ورود به حریم خصوصی افراد منع شده است. و این عدم تجسس، خاص تفحص در اعمال دیگران نیست بلکه به طور کلی تفتیش در اعمال مخفی، حالات افراد و اخلاق باطنی آنان ممنوع است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸۸/۲). در روایات نیز از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مَنْ هَتَكَ حِجَابَ غَيْرِهِ اُنْكَشَفَ عَوْرَاتُ بَيْتِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۹/۸)؛ یعنی هر کس حریم خصوصی دیگران را نقض کند، خداوند زشتی‌های خانه‌اش را آشکار می‌کند. همچنین می‌فرماید: «مَنْ بَحَثَ عَنِ اسْرَارِ غَيْرِهِ اَظْهَرَ اللهُ اسْرَارَهُ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۲۱)؛ یعنی هر کس در جست و جوی اسرار دیگران باشد، خداوند اسرار وی را آشکار خواهد نمود. در حقوق اسلام نهی از ورود به حریم خصوصی دیگران نه تنها

شامل آحاد جامعه بلکه شامل حکومت نیز می‌شود و حکومت‌ها نیز از تفحص در امور شخصی مردم نهی شده است. حضرت علی علیه السلام هنگامی مالک اشتر نخعی را برای حکومت در مصر انتخاب نمود، طی نامه‌ای شیوه اداره امور مملکت را به وی ابلاغ نمود. بخشی از این نامه ناظر به موضوع حریم خصوصی و نحوه برخورد مالک اشتر با این موضوع است. آن حضرت در عرصه تفتیش حاکم نسبت به امور ملت به شدت مخالف تجسس و نقض حریم خصوصی است ولی در عرصه مناسبات میان حاکم و عمال حکومتی، نظارت مخفیانه بر کار آنان را نه تنها نهی نمی‌کند بلکه مورد تأکید فراوان قرار می‌دهد. حضرت علی علیه السلام در تبیین مناسبات میان حاکم با ملت در عرصه حریم خصوصی می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَبَعْدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَ أَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سِتْرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتِرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتِرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ» (سید رضی، ۱۳۷۴: ۴۳۰) یعنی «دورترین مردم نسبت به تو و مبعوض‌ترین آن‌ها نزد تو باید کسی باشد که در حق مردم عیب جو تر است؛ زیرا در مردم عیوبی است که والی در پوشاندن آن عیوب از همه کس سزاوارتر است. بنابراین مبادا در پی کشف عیوب پنهان مردم باشی. آنچه بر تو لازم است، این است که ظواهر را پاکیزه نمایی و در باره امور پنهان مردم خداوند حکم خواهد کرد. بنابراین تا می‌توانی عیوب مردم را بپوشان تا خداوند نیز آنچه را که تو دوست داری از فرمانبرانت مخفی بماند، بپوشاند». ملاحظه می‌شود آن حضرت در کنکاش در عیوب پنهان مردم و به عبارتی حریم خصوصی ملت دو سفارش می‌کند: نخست دور کردن ناقضان حریم خصوصی ملت از خویش؛ یعنی حاکم باید آنان را که در پی حریم خصوصی مردم‌اند، از خود دور کند. این ناقضان می‌توانند هم مردم عادی و هم کارگزاران باشند. بنابراین این نقض حریم خصوصی؛ خواه توسط مردم عادی خواه توسط کارگزاران حکومتی ممنوع است. دوم وظیفه حاکم (نه مردم عادی و نه کارگزاران) نسبت به پوشاندن عیوب مردم. از دیدگاه آن حضرت، جامعه، عاری از عیب نیست و بدیهی است مردم عیوبی دارند ولی حاکم نباید در پی این عیوب باشد بلکه باید عیوب ملت را بپوشاند. وظیفه حاکم

نسبت به پوشیدن عیوب ملت بیش از همگان است. حاکم حق ندارد در پی عیوب مخفی مردم باشد. حاکم حق ندارد حریم خصوصی مردم را به بهانه اجرای احکام الهی نقض نماید. استدلال زیبای حضرت علی علیه السلام بر این امر، این است که وظیفه حاکم اداره امور ظاهری مردم و به تعبیر آن حضرت «اصلاح امور آشکار» است و امور پنهانی مردم ربطی به حاکم ندارد؛ زیرا این قبیل امور تحت قدرت الهی است نه ذیل قدرت حاکم.

نتیجه

جریان آزاد اطلاعات و حق دریافت و انتشار اطلاعات به مثابه مصداقی از حقوق بشر و آزادی اساسی انسان مطلق و بی قید و شرط نیست. بلکه مشروط به رعایت اصول برابری، استفاده صلح آمیز، منع سوء استفاده از حق و عدم مداخله می‌باشد. چه اینکه عمومیت حق دریافت و انتشار اطلاعات، تخصیص خورده و در مواردی که با امنیت ملی، نظم عمومی، رفاه و سلامت همگانی، اخلاق، حریم خصوصی و مالکیت بر اطلاعات منافات داشته باشد، قابل اعمال نیست. با توجه به اینکه واژگانی چون اخلاق، امنیت، نظم عمومی و رفاه همگانی زیرا رفاه عمومی مفهوم وسیع و سیالی است، نوعی تخصیص اکثر لازم آمده و در واقع منجر به تضعیف جریان آزاد اطلاعات خواهد شد. تنها به عنوان یک نمونه اگر رفاه و سلامت همگانی (به عنوان یکی از محدودیت‌های اعمال شده در جریان آزاد اطلاعات) شامل محیط زیست، آب و هوای سالم، بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، حمل و نقل عمومی و مانند آن شود، بخش بزرگی از بسترهای اطلاعاتی از دایره شمول جریان آزاد اطلاعات خارج می‌شود. اگر بر این محدودیت، محدودیت‌های ناظر بر امنیت ملی، نظم عمومی و اخلاق نیز اضافه شود، دیگر جایی برای استناد به حق آزادی دسترسی به اطلاعات و نشر آن باقی نخواهد ماند. بدین منظور لازم است اسناد حقوق بشری برای جلوگیری از سوء استفاده برخی حاکمان، از به کار بردن لفظ عام و کلی پرهیز نموده و به جای آن مصادیق آن را به کار برند. همچنین باید کشورهای عضو نهادهای حقوق بشری ملزم به تفسیر مضیق در سوی اعمال محدودیت و تفسیر موسع در سوی حقوق و آزادی‌های اساسی شوند تا این حقوق در

مقام احقاق و اجرا با موانع و محدودیت‌های کمتری مواجه شوند. آنچه اهمیت دارد این است که هدف نهایی تمامی این شرایط و محدودیت‌ها از یک سو و آزادی اطلاعات و ارتباطات از سوی دیگر با هدف غایی عدالت تنظیم می‌شود. هم آزادی در جریان اطلاعات باید منتهی به عدالت شود و هم محدودیت‌ها و شرایط مزبور، در غیر این صورت مفهوم آزادی خارج از مسیر خود قرار خواهد گرفت و هم برابری، اخلاق، رفاه همگانی، نظم عمومی و مانند آن مفاهیمی خواهند بود که کارکرد خود را از دست خواهند داد.

فهرست منابع

-قرآن کریم

-آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)، **غور الحکم و درر الکلم**، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

-زمانی، قاسم (۱۳۹۸)، **مشروعیت سنجی تحریم‌های اقتصادی: تلازم منع سوءاستفاده از حق با سلسله مراتب هنجاری حقوق بنیادین؛ شر در نظام بین المللی ضمیمه منتشر شده در کتاب حقوق بین الملل اقتصادی**، تهران؛ شهر دانش.

-سید رضی، ابولحسن محمد بن الحسن الموسوی (۱۳۷۴)، **نهج البلاغه**، ج ۱، المحقق: صبحی صالح، قم؛ مرکز البحوث الاسلامیه.

-صادقی، دیدخت (۱۳۹۰)، **تحول در مفهوم اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل**، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، ۱۶، ۹۳-۱۲۸.

-صفایی حسین (۱۳۶۷)، **مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل**، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین الملل، ۹، ۵-۶۲.

- طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۸۵)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۵، قم: مؤسسه النشر اسلامی
- عباسی، بیژن و رستمی، مرتضی (۱۳۹۴)، **ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو**، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ۲، ۲۷-۵۹.
- غزالی، محمد بن محمد، شارح عبدالعلی بن محمد (بی تا). **المستصفی من علم الاصول**، بیروت: دار الأرقم بن أبی الأرقم.
- فاضل تونی، محمد حسین (۱۴۱۲ ق)، **الوافیه فی الاصول الفقه**، با تحقیق محمد حسین رضوی، قم؛ مؤسسه اسماعیلیان، مجمع فکر اسلامی.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، **حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه**، قم؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، **عدالت و حقوق بشر**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳، ۳۲۳-۳۳۱.
- کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۳)، **رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق**، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲، ۱۳۵-۱۶۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، **الکافی**، ج ۲، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه.
- محقق داماد. سید مصطفی (۱۳۸۶)، **قواعد فقه بخش مدنی**، مالکیت، مسئولیت، ج ۱، تهران؛ مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی حسن (۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۴، تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ ق)، **دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه**، قم: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- نیکنام، محمدرضا؛ مسجد سراسی، حمید؛ ذوالفقاری، مهدی (۱۴۰۲)، **حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقهیه**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۳۰، ۲۸۹-۳۲۰.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳)، **مفهوم اصل برابر در حقوق عمومی نوین**، نشریه حقوق اساسی، ۲، ۲۱۳-۲۵۲.

- Abbasi, Bijan and Rostami, Morteza (2015), Legal Aspects of the Common Heritage of Humanity in Outer Space, Journal of Legal Studies of Shiraz University, 2, 27-59.

- Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad Tamimi (1987), Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalim, Qom; Islamic Propaganda Office of the Seminary.
- Billings, L.; (2006). "To the Moon, Mars, and beyond: culture, law, and ethics in space-faring societies", Bulletin of Science, Technology & Society.
- Bennett, C. J., & Raab, C. D. (2006). The governance of privacy: Policy instruments in global perspective (2nd ed.). MIT Press.
- Birks, P. (2000). Privacy and loyalty. Oxford University Press.
- Danilenko, G.M. (1988). "the Concept of the Common Heritage of Mankind in International Law, Annals of Air and Space Law". Available at: http://books.google.com/books/about/The_Concept_of_the_Common_Heritage_of_Ma.html?id=9W1Hi_AfNvQC
- Department of Public Information, (2004). "Basic Facts About the United Nations", Published by the United Nations Department of Public Information, New York.
- Donohue, L. K. (2006). Anglo-American privacy and surveillance. Journal of Criminal Law and Criminology, 96(3), 1059–1208.
- David Ormerod, Peter Murphy · 2011, Blackstone's Criminal Practice 2012, Oxford University Press, Oxford, p:568
- Encyclopedia of public International law,(1981). North Holland Company. Vol.3, (A – m).
- Fenwick, H., & Phillipson, G. (2006). Media freedom under the Human Rights Act. Oxford University Press.
- Fazel Toni, Mohammad Hossein (1412 AH), Al-Wafiya fi al-Usul al-Fiqh, researched by Mohammad Hossein Razavi, Qom; Ismaili Institute, Islamic Thought Forum.
- Ghali, Boutros,(1992). "An agenda for peace", 1992, United nations, U.N. Doc. A/47/277.S/24111.
- Ghorbaniya, Naser (2008), Human Rights and Humanitarian Law, Qom; Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Karimi, Abbas and Shabani Kandsari, Hadi (2014), The logical relationship between the jurisprudential rule of no harm and the Western rule of abuse of rights, Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Laws, 2, 135-166.
- Katouzian, Naser (2007), Justice and Human Rights, Quarterly Journal of Law, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 3, 323-331.
- Kulaini, Mohammad bin Yaqoub (1985), Al-Kafi, Vol. 2, Tehran; Daral-e-Kutub al-Islamiyya.

- Manfred Lachs; (1997). "International Law: Achievements and Prospects", Mohammed Bedjaoui: General Editor; UNESCO-Paris, Martinus Nijhoff publishers-Dordrecht/Boston/London.
- Milan Palevic, Srdjan Djordjevic; (2013). "Freedom of information and abuse of media in the process of globalization", *Webology*, Volume 10, Number 1, June, 2013.
- Mostafa Hassan (1981), *Investigation of the Words of the Holy Quran*, Vol. 2, Tehran; Book Translation and Publishing Company.
- Muhaqq Damad. Seyyed Mustafa (2007), *Rules of Jurisprudence in the Civil Section, Ownership, Responsibility*, Vol. 1, Tehran; Islamic Sciences Publishing Center.
- Mell, P. (2002). Big brother at the door: Balancing national security with privacy under the USA PATRIOT Act. *Denver University Law Review*, 80(2), 375-419.
- Niknam, Mohammad Reza; Masjeed Sarai, Hamid; Zolfaghari, Mehdi (1402), *Environmental Protection in the Light of Jurisprudential Rules*, *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 30, 289-320.
- Report of the Committee on the Peaceful Uses of Outer Space Sixty-second session, (2019). United Nations, A/74/20, General Assembly Official Records Seventy-fourth Session Supplement No. 20, 12-21 June 2019. Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/3824351?ln=en>, retrieved on: 12/01/2020.
- Sadeghi, Didukht (2011), *Evolution in the Concept of the Principle of Non-Intervention in International Law*, *Quarterly Scientific Research Journal of Political Sciences and International Relations*, 16, 93-128.
- Safaei Hossein (1988), *Intervention in the Affairs of Other Countries from the Perspective of International Law*, *Legal Journal of the International Law Services Office*, 9, 5-62.
- Sayyid Razi, Abul Hasan Muhammad bin al-Hassan al-Musavi (1994), *Nahjul al-Balagha*, Vol. 1, Al-Muhaqqiq: Subhi Saleh, Qom; Islamic Research Center.
- Solove, D. J. (2008). *Understanding privacy*. Harvard University Press.
- Vejev, Mohammad Reza (2004), *The Concept of the Equal Principle in Modern Public Law*, *Journal of Fundamental Rights*, 2, 213-252.
- Zamani, Qassem (2019), *Legitimacy Assessment of Economic Sanctions: The Connection of the Prohibition of Abuse of Rights with the Normative Hierarchy of Fundamental Human Rights in the International System*, Appendix Published in the Book of International Economic Law, Tehran; Shahr Danesh.
- Zedner, L. (2005). Securing liberty in the face of terror: Reflections from criminal justice. *Journal of Law and Society*, 32(4), 507-533.

A Study of the Legal Criteria and Restrictions on the Freedom of Receiving and Disseminating Information in the Explanatory Documents of Human Rights

Background and Objective The free flow of information, which includes the right to access information and the right to disseminate it, is considered a fundamental human right. Numerous international human rights documents have emphasized this fundamental right. According to the laws and regulations of the international human rights system, the freedom to receive and disseminate information is considered a fundamental human right. The application of this right has provided the possibility of its abuse and has led to concerns. These concerns have caused the free flow of information to be accompanied by criteria and principles and, in some cases, restrictions to be imposed on it.

Methods: The research method in this study is descriptive-analytical and the data were collected from library sources. The sources used in this field include reputable books and articles related to the research topic, and after collecting information, the data were analyzed. Finally, the collected materials were analyzed in accordance with the objectives and questions of the research.

Findings: The principle of equality of sovereigns in accessing and using information sources, the principle of non-interference in the affairs of others in the process of receiving and disseminating information, the principle of peaceful use of the free flow of information, and the principle of prohibiting abuse of the right to receive and disseminate information are among the most important principles and criteria governing the free flow of information, and restrictions have been imposed on this right to protect and ensure individual and social rights and freedoms. National security, social welfare, public order, compliance with fair moral requirements, and the like are among the restrictions that have been imposed to protect social rights, and compliance with fundamental freedoms of individuals, protection of privacy, property, and the like are among the restrictions that have been imposed to protect the individual rights of members of society. Of course, these restrictions can be invoked when they are in accordance with the standards of democratic societies and are included in the established laws. In general, these

restrictions can be examined in two general categories: the first category is restrictions that are applied in order to protect public rights, including moral requirements, national security, public order and public welfare. The second category is restrictions that are applied in order to protect the rights and freedoms of individuals, including the right to property and privacy. Many of the aforementioned titles, especially restrictions related to morality, national security, public order and public welfare, have vague, fluid and flexible concepts, which can provide the basis for abuse by governments and rulers. To prevent such a situation, the aforementioned documents have made the application of these restrictions subject to two conditions: first, that these restrictions must be defined and applied within the framework of the applicable laws, and second, that these laws must be consistent with the standards of democratic societies. However, these restrictions have not been able to remove the aforementioned restrictions from their abstract state and give them a concrete form; Because the concept of "democratic societies" has not only not reduced the existing ambiguity, but has added to it.

Discussion and Conclusion: The free flow of information and the right to receive and disseminate information as an example of human rights and fundamental human freedoms are not absolute and unconditional. Rather, they are subject to the observance of the principles of equality, peaceful use, prohibition of abuse of the right and non-

interference. Because the generality of the right to receive and disseminate information is allocated and cannot be applied in cases that conflict with national security, public order, public welfare and health, morality, privacy and ownership of information. Given that terms such as morality, security, public order and public welfare are broad and fluid concepts, a kind of allocation of the majority is necessary and will actually lead to weakening the free flow of information. As just one example, if public welfare and health (as one of the restrictions imposed on the free flow of information) were to include the environment, healthy climate, public health, education, public transportation, and the like, a large part of the information platforms would be excluded from the scope of the free flow of information. If restrictions on national security, public order, and morality were added to this restriction, there would be no room left to invoke the right to freedom of access to information and its dissemination. To this end, it is necessary for human rights instruments to avoid using general and general terms to prevent abuse by some rulers and to use examples instead. Also, member states of human rights institutions should be required to interpret narrowly in terms of restrictions and broadly in terms of fundamental rights and freedoms so that these rights face fewer obstacles and restrictions in their realization and implementation. What is important is that the ultimate goal of all these conditions and restrictions on the one hand and freedom of information and communication on the other is regulated with the ultimate

goal of justice. Both freedom in the flow of information must lead to justice and the aforementioned limitations and conditions, otherwise the concept of freedom will be off track, and equality, morality, public welfare, public order, and the like will be concepts that will lose their function.

UNCORRECTED PROOF